

# از تئاتر مردمی تا تئاتر جشنواره‌ای

تأملاتی درباره «ابوذر» و تئاتر امروز  
در گفتگو با سعید تشکری

■ امیرحسین خانی



سعید تشکری، داستان‌نویس، نمایشنامه‌نویس و کارگردان باسابقه خراسانی است که اغلب داستان‌های مشهور او همچون «بار باران»، «پاریس پاریس» و «ولادت» نیز در حال و هوای همین جغرافیای فرهنگی است. تشکری که در آخرین جشنواره ملی تئاتر رضوی نیز به پاس خدماتش در عرصه تئاتر مورد تجلیل قرار گرفت، معتقد است تئاتر ابوذر، در واقع پیشنه‌د نوین دکتر شریعتی به تئاتر روزگار ما و یکی از محصولات فضای مردمی تئاتر منعقد بوده است.

و در برخی شهرهای بین راه اجرا داشته باشد. بعد از طی شدن این مراحل، نمایش در تهران روی صحنه می‌رفت.

آن زمان حتی سالن‌ها و کتابخانه‌های کودک آن‌قدر فعال بوده‌اند که مثلاً گروه نمایشی «پارت» برای عضوگیری خودش به بازیگران آنجا مراجعه می‌کرده است. الان اگر کارگردانی بخواهد نمایش کودک بسازد، نمی‌تواند به کتابخانه‌ها برود و بگوید بازیگران نامی‌تان چه کسانی هستند؟

ناشران بخش خصوصی هم اقبال بسیار خوبی به چاپ نمایشنامه داشتند. در آن زمان هر نمایشی که می‌خواست روی صحنه برود، ناشران بخش خصوصی همزمان با اجرای آن نمایش و با توجه به اقبالی که به آن می‌شد، متن نمایشنامه‌اش را چاپ می‌کردند؛ یعنی مخاطب می‌توانست نمایشنامه‌ها را بخواند و پس از دیدن اجرا، درباره آن‌ها قضاوت کند. برای

بر تجربه‌های یکسان هستند. اما بعد از سال‌ها فعالیت پراکنده هنرمندان مشهدی، «مرکز آموزش تئاتر» به وجود آمد. از آن به بعد، اداره فرهنگ در آن زمان طراحی دقیقی از تولید تئاتر داشت. در فرایند اولیه مرکز آموزش تئاتر، قانون این‌طور بود که فعالان مرکز آموزش تئاتر باید علاوه بر شهر مشهد، در شهرهای استان خراسان هم نمایش اجرا کنند. در نتیجه تورهایی تئاتری بسیار فعال بود. این‌طور نبود یک نمایش صرفاً برای زنده بودنش به چهار یا پنج اجرا در مشهد بسنده کند. قانون جشنواره تئاتر شهرستان در آن زمان این‌طور بود که هر گروه تئاتر که می‌خواهد نمایشش را در تهران روی صحنه ببرد، باید از شهر مبدأ حرکت کند و در برخی شهرهای بین راه اجرا داشته باشد. بعد از طی شدن این مراحل، نمایش در تهران روی صحنه می‌رفت.

برای زنده بودنش به چهار یا پنج اجرا در مشهد بسنده کند. قانون جشنواره تئاتر شهرستان در آن زمان این‌طور بود که هر گروه تئاتر که می‌خواهد نمایشش را در تهران روی صحنه ببرد، باید از شهر مبدأ حرکت کند

ذات کارشان یک تعهد قطعی وجود داشته است.

یکی از دلایل پویایی در تئاتر آن زمان ارتباطش با همین مخاطبان مردمی است. نمایش تا وقتی رابط‌اش با مردم سرشار باشد، زنده است و هر زمان که رابط‌اش را از دست بدهد، تئاتری گلخانه‌ای و پرورش‌یافته در همان افکاری خواهد شد که سازندگانش آن را تولید کرده‌اند؛ مخاطبانش هم دوستان و طرفداران و عده‌ای محدود از هنرمندان خواهند بود، نه مردم.

**این ارتباط دوطرفه در چه بستری شکل گرفته بود؟**

تا آمدن آقای دکتر لطفی و مستقر شدن ایشان در مرکز آموزش تئاتر، ما تقریباً بنیة تئاتر علمی نداریم؛ یعنی بیشتر تئاترها فطری و مبتنی

**نمایش ابوذر در چه مختصات اجتماعی و هنری عرضه شد؟**

بدون شک حال و هوای تئاتر آن زمان به دیده‌شدن نمایش ابوذر کمک کرده است. تئاتر مشهد مخاطب فراوانی داشت که متقاضی تئاتر بودند. تئاتر آن دوره، تئاتری فقیر و بدون مخاطب نبوده است. فضای تئاتر مشهد در آن زمان بسیار پررونق بوده و گرنه وقتی ناگهان تصمیم گرفته می‌شد که نمایش ابوذر اجرا شود، هرگز نمی‌توانست دو هزار نفر را به سالن تئاتر بیاورد.

من معتقدم قبل از انقلاب، تعهدی درونی در تئاترمان وجود داشته است؛ مثلاً نمایش «تمنای باران» داوود کیانیان نمایشی متعهدانه درباره اتفاقی است که به‌شکل مستند در قم افتاده است. برخلاف برخی از هنرمندان سینما، هیچ کدام از دوستان تئاتری هنوز هم از آثاری که در آن سال‌ها روی صحنه برده‌اند، احساس شرمندگی ندارند؛ چون در